

تحلیلی جامعه‌شناختی از

مطبوعات ایران

با مراجعه به آثار یاد شده در این زمینه و به نظر می‌رسد که در این زمینه، تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده است، به دلیل کمبود منابع و کمبود آشنایی با این موضوع، نتوانسته است به درستی به این موضوع بپردازد. در این مقاله سعی می‌شود تا حد امکان به این موضوع بپردازد و به این منظور، به بررسی وضعیت مطبوعات ایران در این زمینه پرداخته می‌شود.

کم اعتمادی یا بی اعتمادی، عدم پاسخگویی به نیازهای تحلیلی و اطلاعاتی مردم و رها شدن پرسشها در ابهام در اثر عدم توجه و بی مصالح دیگر موجب شده تا مطبوعات در زندگی روزمره مردم جای خود را باز نکرده و نهادینه نشود.

بی سواد و کم سواد بخش عمده ای از جامعه یکی دیگر از عواملی است که مانع از گسترش فرهنگ مطبوعاتی می باشد. مطبوعات در جامعه ما همواره زبان روشنفکران و برای روشنفکران بوده است و کمتر توده ها را درگیر تحلیل از مسایل پیرامون کرده اند. اگر در دوره هایی می بینیم که مطبوعات در میان مردم رواج داشته اند گرایش قوی کمپنیزم در آنان به چشم می خورد. به طور کلی می توان گفت که کم سواد و بی سواد باعث شده که مطبوعات نتوانند با مخاطبین خود ارتباط برقرار کنند. اگر بخواهیم از جانب دیگر سخن بگوییم باید این نکته را مطرح کرد که اگر مطبوعات ما بخشی از نیازهای مردم را مستمراً برطرف می کردند (منظور نیازهای اطلاعاتی، خبری و تحلیلی است) گرایش به سواد در میان آنها قوت می گرفت. در تحقیقی که در سال ۷۲ - ۱۳۷۱ در مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها تحت عنوان «سنجش بهره مندی شهروندان ایرانی از مطبوعات» انجام شده ۸۳ درصد از مردم روزانه کمتر از ۶۰ دقیقه به مطالعه مطبوعات می پردازند، ۲۲ درصد گاهی و ۳۳ درصد هیچگاه مطبوعات مطالعه نمی کنند. البته هنوز درصد کسانی که مستمراً روزنامه یا مجله می خوانند در میان اقشار باسواد بسیار پایین است.

که این امر نشان دهنده فاصله زیادی با حداقل استاندارد تعیین شده است. مقایسه این وضعیت با کشورهای همجوار نیز عقب ماندگی ما را در این زمینه نشان می دهد. پایین بودن تیراژ روزنامه ای ایران علی رغم سابقه ۱۵۷ ساله مطبوعاتی در کشور ناشی از علل و عوامل متعددی است که شاید یکی از عمده ترین آنها مسأله کیفیت عرضه مطبوعات باشد، به گونه ای که نتوانسته است مخاطبان ایرانی را به خرید و خواندن مطبوعات راغب نماید و یکی از راههای عمده افزایش تیراژ مطبوعات را باید در «رشد کیفی» آنها جستجو نمود.

پایین بودن تیراژ مطبوعات در کشور ما به عنوان یکی از علائم مرضی مورد اجماع کارشناسان و متخصصین امر است. حال باید دید که این علامت مرضی تحت تاثیر چه فخرانات، علل و عوامل حاصل شده است. خاستگاه دولتی مطبوعات ایران موجب شده است تا مردم ما همواره به مطبوعات به عنوان یکی از ابزارهای حکومت و دولتی توجه کنند و بی اعتمادی تاریخی آنان به دولت‌های گذشته باعث رشد بی اعتمادی به مطبوعات گشته است. در واقع غالب مردم هنوز برای کسب خبر، اطلاعات و تحلیلها به مطبوعات رجوع نمی کنند. نه تنها مطبوعات بلکه بخش خبری همه رسانه ها محروم از اعتماد اکثر مردم است. براساس تحقیقی که در مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها در سال ۶۹۷۰ تحت عنوان «بررسی میزان اعتماد مردم به بخش خبری رسانه ها» انجام شده، ۶۵ درصد از مردم به بخش خبری رسانه ها بی اعتمادند. غیر از مسأله

آنچه در این مقاله در پیش رو دارید تحلیلی جامعه شناسانه است بر مسائل و مشکلات مطبوعات ایران و به همین دلیل بر ضعفها و کاستیهای آن تمرکز شده است. اگرچه مطبوعات ما در مقایسه با مطبوعات جهان از قوت‌های بسیاری برخوردار است ولی در این مقاله کوتاه به تبیین یکی از علائم مرضی مطبوعات ایران می پردازیم.

به نظر می رسد که در سایه سیاستهای اجرا شده چند سال اخیر، مطبوعات ایران به لحاظ تعدد و تنوع راه مطلوبی را طی کرده اند و در حال حاضر ۲۱۰ مطبوعه به طور فعال در صحنه مطبوعاتی کشور حضور دارند. (تعداد ۵۵۰ مطبوعه مجوز انتشار دارند) آنچه که در وضعیت کنونی به عنوان مشکل اصلی مطبوعات قلمداد می شود و باید به عنوان يك استراتژی در ابعاد گوناگون مدنظر گیرد «رشد کیفی» مطبوعات است. برای روشن شدن موضوع به نکاتی اشاره می شود.

بر اساس حداقل‌هایی که سازمان ملل متحد در سال پیش در زمینه وسایل ارتباط جمعی در نظر گرفته، برای هر هزار نفر باید صد نسخه روزنامه وجود داشته باشد. بر این مبنا اگر جمعیت کشور در سال ۷۳ حدود ۶۰ میلیون نفر شد، باید روزانه ۶ میلیون نسخه روزنامه در ایران منتشر شود، و این در حالی است که طبق آخرین تحقیق انجام شده توسط مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها (پيام آفرینان مطبوعات) تیراژ روزنامه های منتشره در کشور حداکثر به ۱/۵ میلیون نسخه در روز می رسد، یعنی به ازای هر هزار نفر ایرانی ۲۵ نسخه روزنامه منتشر می شود

در واقع غالب مردم هنوز برای کسب خبر، اطلاعات و تحلیلیها به مطبوعات رجوع نمی کنند. نه تنها مطبوعات بلکه بخش خبری همه رسانه ها محروم از اعتماد اکثر مردم است. براساس تحقیقی که در مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها در سال ۶۹-۷۰ تحت عنوان «بررسی میزان اعتماد مردم به بخش خبری رسانه ها» انجام شده، ۶۵ درصد از مردم به بخش خبری رسانه ها بی اعتمادند.

مطبوعات در جامعه ما همواره زبان روشنفکران و برای روشنفکران بوده است و کمتر توده ها را درگیر تحلیل از مسایل پیرامون کرده اند. اگر در دوره هایی می بینیم که مطبوعات در میان مردم رواج داشته اند گرایش قوی لمپنیزیم در آنان به چشم می خورد.

هستند و این نسبت در مجلات عمومی ۳۷ درصد و در مطبوعات محلی ۲۴ درصد است از لحاظ سابقه کار نیز میانگین سابقه کار روزنامه نگاران ۲/۱۲ سال می باشد. توجه به این نکات به خوبی نشان می دهد که مطبوعات ما به لحاظ نیروی متخصص و آموزش دیده دچار مشکلات جدی هستند. در تیسین این مساله عوامل متعددی دخالت دارند:

گرایش به شغل روزنامه نگاری می تواند ضامن ثبات، تخصص و کارایی این شغل در جامعه بوده و نهایتاً در تولید و عرضه محتوای مطبوعات در جامعه نقش به سزایی داشته باشد. متأسفانه به دلیل ضعف امنیت شغلی، نقصان در قوانین تضمین کننده حقوق روزنامه نگاران، عدم اتحادیه صنفی، مشکلات اقتصادی مطبوعات و پایین بودن سطح درآمد روزنامه نگاران، گرایش به شغل روزنامه نگاری از قوت چندانی برخوردار نیست. تنها ۲۷ درصد از روزنامه نگاران تمام وقت، ۲۵ درصد نیمه وقت و ۲۸ درصد پاره وقت هستند. ۱۰/۵ درصد از آنان بیش از یک شغل دارند و این در حالیست که ممکن است از ۸۹/۵ درصد بقیه درصد قابل توجهی در بیش از یک مؤسسه مطبوعاتی مشغول به کار باشند. شغل روزنامه نگاری تنها برای ۳۲/۶ درصد از روزنامه نگاران به عنوان تنها منبع درآمد محسوب می شود. روزنامه نگار باید در جامعه از نقشی جستجوگر، کنجکار، جسور، تحلیل گر و مستقل برخوردار باشد و چنین نقشی زمانی تحقق می یابد که همه سازمانها، علی الخصوص بخش روابط عمومی آنها، از آن مطلع و با آن سازگار باشند. بسیاری از جوانان ما به هنگام انتخاب

است. به هر صورت رشد این دسته از مطبوعات نقش مهمی در گسترش فرهنگ مطبوعاتی داشته و می تواند در امر فرهنگ سازی و نهادینه کردن هنجارها و ارزشهای اسلامی و مقابله با تهاجم فرهنگی به کار آیند.

مسأله دیگری که مرتبط با فرایند جامعه پذیری مطبوعات است ضعف مطبوعات بانوان است. با توجه به اینکه نیمی از جمعیت کشور را بانوان تشکیل می دهند، نشریاتی وزین که تأمین کننده نیازهای اطلاعاتی، خبری و تحلیلی این بخش از جامعه باشد محدود هستند در حالیکه این دسته از نشریات می توانند با اصلاح نقش جنسی مطالعه و با توجه به نقش تربیتی مادران تأثیر بسیار زیادی بر نهادینه کردن فرهنگ مطالعه، علی الخصوص مطالعه مطبوعات داشته باشند.

یکی دیگر از عوامل پایین بودن تیراژ مطبوعات و عدم گرایش مردم به مطبوعات، وضعیت کیفی از نظر نیروی متخصص روزنامه نگاری است. براساس تحقیقی که در سال ۱۳۷۱-۱۳۷۲ در مرکز مذکور انجام شده است ۲۳/۶ درصد از روزنامه نگاران، دیپلم و تنها ۱/۶ درصد روزنامه نگاران ایران دارای تحصیل دانشگاهی در رشته روزنامه نگاری هستند، و ۸۲/۵ درصد از روزنامه نگاران فاقد تحصیلات عالی مرتبط با رشته روزنامه نگاری می باشند و درصد قابل توجهی از فارغ التحصیلان دانشگاهها در رشته ارتباطات و روزنامه نگاری جذب مشاغل مطبوعاتی نشده اند. به لحاظ شغلی نیز ۸۰/۴ درصد روزنامه نگاران روزنامه های سراسری تمام وقت

جو حاکم بر نظام آموزش و پرورش ما نیز سرغیب کننده تحقیق و مطالعه خارج از چهارچوبهای تعیین شده در کتب درسی نیست که خود عامل مهمی در عدم گسترش فرهنگ مطبوعاتی بوده است. از طرف دیگر در مورد کودکان و نوجوانان بحث دیگری در فرایند جامعه پذیری مطرح است: یکی از راههای فرهنگی کردن و جامعه پذیر کردن رفتار، مطالعه مطبوعات (با رفتار روزنامه خوانی) ایجاد عادت به مطالعه در سنین کودکی و نوجوانی است. متأسفانه مطبوعات کودکان و نوجوانان ما از ضعفهای عمده ای برخوردارند.

حتی این دسته از مطبوعات همچون گذشته نیازهای سرگرمی و تفریحی اکثر نوجوانان و کودکان را تأمین نمی کنند و میدان را برای رسانه ها و امکانات تفریحی و سرگرمی های کامپیوتری خالی نموده اند. در حالیکه ۵۰ درصد جمعیت کشور را افراد زیر ۲۰ سال تشکیل می دهند، تنها ۳/۳ درصد نشریات منتشره در کشور به کودکان و نوجوانان تعلق دارد و فقط ۸/۲ درصد نشریات به موضوعات فرهنگی، تربیتی و آموزشی می پردازند و این در حالیست که رشد و ارتقای فرهنگی جامعه از اولویت خاصی در جمهوری اسلامی برخوردارست.

مطبوعات کودکان و نوجوانان غیر از مسأله تیراژ و مشکلات اقتصادی و مسایل کیفی از توزیع مناسبی نیز برخوردار نیستند. توزیع مجلات مخصوص کودکان و نوجوانان در مدارس ابتدائی، راهنمایی و دبیرستانها در تهران و شهرستانها به خوبی انجام نمی شود و هیچگونه ارزیابی درستی نیز از آن به عمل نیامده

مساله ضعف اطلاع رسانی و گردش اطلاعات در جامعه و خودداری بعضی از سازمانها و ارگانها از ارائه اطلاعات به مطبوعات و بی توجهی به افکار عمومی، سوالات، پرسشها و ابهامات موجود در جامعه، از دیگر مسائلی است که از يك طرف روزنامه نگاران را با مشکل روبرو کرده و موجب پایین آوردن سطح روزنامه نگاری در حد يك «خبربیار»! تا «خبرنگار» شده است و موجب شده تا روزنامه نگاران فعال از ادامه حرفه خود مایوس شوند و به سایر حرفی که شئونات آنان اجازه می دهد وارد شوند و از طرف دیگر مساله فوق باعث شده تا مطبوعات، اطلاعات و خبرهای خود را اکثراً از طریق خبرگزاری جمهوری اسلامی تأمین نمایند و عمدتاً کانالی شده اند برای انعکاس اخبار این خبرگزاری.



بنازد. منبع کسب خبر ۷۲ درصد از مردم رادیو تلویزیون داخلی است و تنها ۱۲ درصد از مردم برای کسب خبر به روزنامه محلی و براسری مراجعه می کنند.

عوامل دیگری و نارساییها در انتقادهای مطبوعاتی یکی دیگر از جلوه های مهم ضعف کیفی مطبوعات کشور است. از علل و عوامل عدم رغبت مردم به مطبوعات، پایین آمدن تیراژ و... عدم دریافت تصویری منطقی و روشن از محیط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی پیرامون است. در حالی که از مطبوعات انتظار می رود در تحلیل مسائل اجتماعی پیشرو باشند و نقش روشنگر را در ارتباط با مردم داشته باشند. دیده شده است که در اکثر موارد با ارائه تحلیلها و نقدهایی که از چهار چوب منطقی برخوردار نیست و بیانگر موضع ضد و نقیض يك مطبوعه در دو دوره زمانی و یا حتی در يك شماره روزنامه و حتی در يك مقاله می باشند نه تنها تصویری روشن به مخاطب خود ارائه نمی نمایند بلکه بر ابهامات و پرسشهای آنان می افزایند و نهایتاً رغبت به مطالعه را در آنان تضعیف می نمایند.

مسائل دیگری خارج از قلمرو مطبوعات بر مطبوعات و کارکردهای مطبوعات در جامعه تأثیر گذارند که به دلیل اطاله کلام از بازگو کردن آنها احتراز می شود. مسائلی از قبیل مشکل اوقات فراغت، مشکلات اقتصادی، تورم، جریان چند شغلی در میان مردم، امید به آینده، اعتماد و اتکال به دولت، فضای مطلوب اندیشه سیاسی و... همگی بر کارکردهای مطبوعاتی تأثیر گذارند که باید جفا گانه در مقالی و مجالی دیگر مورد تجزیه تحلیل قرار گیرند.

و حرفه مطبوعاتی تلقی شود.

مساله ضعف اطلاع رسانی و گردش اطلاعات در جامعه و خودداری بعضی از سازمانها و ارگانها از ارائه اطلاعات به مطبوعات و بی توجهی به افکار عمومی، سوالات، پرسشها و ابهامات موجود در جامعه، از دیگر مسائلی است که از يك طرف روزنامه نگاران را با مشکل روبرو کرده و موجب پایین آوردن سطح روزنامه نگاری در حد يك «خبربیار»! تا «خبرنگار» شده است و موجب شده تا روزنامه نگاران فعال از ادامه حرفه خود مایوس شوند و به سایر حرفی که شئونات آنان اجازه می دهد وارد شوند و از طرف دیگر مساله فوق باعث شده تا مطبوعات، اطلاعات و خبرهای خود را اکثراً از طریق خبرگزاری جمهوری اسلامی تأمین نمایند و عمدتاً کانالی شده اند برای انعکاس اخبار این خبرگزاری و خبرنگاری و جمع آوری اخبار و اطلاعات و تحلیل بر آنها که مهمترین وظیفه روزنامه نگاری کنونی است از مطبوعات (مخصوصاً روزنامه ها) سلب شده است.

البته تلاش روزنامه نگاران برای کسب اطلاعات از سازمانها و مراکز به هیچ وجه مورد انکار نیست، بلکه ضعف کار خبرنگاری و انگای بیش از اندازه بر تلکس خبرگزاری موجب شده تا دایره اطلاعات و اخبار مطبوعات خیلی بیشتر از آنچه در صدا و سیما منعکس می باشد نباشد. در حالی که جستجوی روزنامه نگاران کاوشگر در هر مطبوعه ای می تواند برای مردم سازگاری داشته و آنان را از ابعاد و رویکردهای متفاوت، درگیر مسائل جامعه و سرنوششان

شغل ورشته دانشگاهی تصویر درستی از شغل روزنامه نگاری ندارند و همین مساله موجب می شود که جوانان جویندگی شغل که دستشان به جایی نرسیده نهایتاً برای اینکه شغلی برای امرای معاش داشته باشند، جذب این حرفه شوند. البته هستند بسیاری از روزنامه نگاران که به شغل خود علاقمندند ولی پرواضح است اگر این شغل در دوران نوجوانی به نوجوانان معرفی نشود و نوجوانان از ابتدا خود را برای ورود به این شغل آماده نکنند و در محیط آموزشی، دست به تجربه های محدود نزنند، نمی توان انتظار بسیار زیادی از روزنامه نگارانی که بر حسب تصادف یا آشنایی خانوادگی، دوستی، فامیلی و... جذب این شغل شده اند، داشت.

در حال حاضر درصد پایینی از فارغ التحصیلان رشته ارتباطات جذب حرفه روزنامه نگاری می شوند. این مساله از يك طرف به علت عدم پذیرش و استقبال در واحدهای صنفی مطبوعاتی است و از طرف دیگر به علت آنست که دانشجویان این رشته از ابتدا با آگاهی از حرفه روزنامه نگاری این رشته را انتخاب نکرده اند. چه با بسیاری از آنان شرایط و ویژگیهای نقش روزنامه نگاری را ندانند و با این ویژگیها در دوران تحصیلات دانشگاهی در آنها پروراند نشده است. تحلیل محتوای ۶۰ سال متون آموزشی روزنامه نگاری، که در مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها انجام شده است به عدم تناسب متون آموزش روزنامه نگاری با نیازهای شغلی و حرفه ای روزنامه نگاری در ایران اشاره می کند که خود می تواند از عوامل مؤثر بر تعارض موجود میان تخصص مطبوعاتی